



واکاوی مؤلفه‌های تصویر و نقش آنها در زیباسازی تصویرپردازی سوره‌های قرآن (با تاکید بر آثار خوشنویسی معاصر سوره قلم)

راضیه آلبوغبیش^۱، رحیمه چولانیان^۲، صادق ابراهیمی کاوری^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Razi.soha.albogh1@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Ra.Choulanian1349@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Ebrahimi.kavari10@iauabadan.ac.ir

چکیده

قرآن کریم دارای ساختارهایی زیبا و باشکوه می‌باشد که اعجاب همگان را برانگیخته است و یکی از این ساختارها، تصویرپردازی‌های بی بدیل است که در سرتاسر قرآن جلوه‌گری می‌کند. این تصاویر دیدنی در قرآن به مدد مؤلفه‌های مختلفی ظاهر گشته‌اند که می‌توان در میان آنها به مؤلفه‌هایی چون تشخیص، تجسیم، تخیل، تشبیه و... اشاره کرد. در حقیقت قرآن به مدد این مؤلفه‌ها، صحنه‌هایی باشکوه آفریده و در آنها اعجاز و عظمت کلام وحی را به تصویر کشیده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این اثر به بررسی این مؤلفه‌ها و نقش آنها در القای مفاهیم قرآنی پرداخته شده و سوره قلم به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش این است که با بررسی مؤلفه‌های تصویری در بابیم که این عناصر چه نقشی در خلق صحنه‌های زیبای قرآنی و القای مضامین آن دارا می‌باشند. با توجه به نتایج بدست آمده، این مؤلفه‌ها هر یک به نوبه خود توانسته است با خلق تصاویر زیبا در بیان و القای مفاهیم تاثیر بسزایی داشته باشد، در این میان عنصر تشبیه به دلیل وسعت این آرایه ادبی نقش برجسته‌تر را دارا بوده است. بررسی خوشنویسی دوره معاصر نیز بیانگر این است که ساختارهای زیبای قرآنی یکی از محوری‌ترین مضامینی است که در خوشنویسی معاصر مورد توجه بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مؤلفه‌ها و عناصر تصویری قرآن و نقش آنها در القای مفاهیم و مضامین قرآنی در سوره قلم.
 ۲. بررسی مؤلفه‌های تصویری در خلق صحنه‌های زیبای قرآنی و خوشنویسی معاصر.
- ### سوالات پژوهش:
۱. مؤلفه‌ها و عناصر تصویری همچون تشبیه، تشخیص و... چه نقشی در القای مفاهیم و مضامین قرآنی در سوره قلم دارند؟
 ۲. کدام مؤلفه‌های تصویری موجود در قرآن در ایجاد زیبایی تصویری قرآن نقش دارند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۲۵ الی ۳۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

کلمات کلیدی

تصویرپردازی،

قرآن،

زیبایی‌شناسی،

سوره قلم،

خوشنویسی معاصر.

ارجاع به این مقاله

البوغبیش، رضیه، چولانیان، رحیمه، & ابراهیمی کاوری، صادق. (۱۴۰۱). واکاوی مؤلفه‌های تصویر و نقش آنها در زیباسازی تصویرپردازی سوره‌های قرآن (با تاکید بر آثار خوشنویسی معاصر سوره قلم). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۲۵-۳۸.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.20.6](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.46.20.6)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.46.20.6](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.46.20.6)

مقدمه

تصویرسازی یکی از ساختارهای زیبا و اعجاب‌انگیز قرآن کریم می‌باشد که قرآن به مدد آن مفاهیم عقلی و مضامین عالی را به صورت صحنه‌هایی زیبا و بی‌نظیر و جلوه‌هایی ملموس و قابل درک تبیین کرده است. امروزه این موضوع در ذیل اصطلاح «تصویرپردازی هنری» در قرآن بررسی می‌گردد. سید قطب عقیده داشت که: «تصویرسازی در قرآن ابزاری برتر است زیرا قرآن با تصویر حسی-خیالی، معانی ذهنی و حالت‌های روانی و صحنه‌های دیدنی و آرمان‌های انسانی و طبیعت بشری را به صورت تصویر ترسیم می‌نماید» (سید قطب، ۱۹۳۹م: ۵۹). قرآن با استفاده از اسلوب تصویرپردازی، معارف ژرف و عمیق خویش را در حد فهم بشر عرضه داشته و مفاهیم انتزاعی و حالات درونی انسان‌ها را در قالب صحنه‌هایی زیبا و شگفت‌انگیز محسوس و قابل درک نموده است. با بررسی هنر تصویرپردازی در قرآن می‌توان گفت که تصاویر قرآنی، تنها برای زیبایی و تزیین کلام وحی به کار نرفته است، بلکه برخی از مضامین و مفاهیم قرآن جز بوسیله تصویرپردازی نمود پیدا نمی‌کنند و می‌توان گفت ابزار تصویر، بهترین روش برای آشکار کردن مقصود و تاثیرپذیری بر مخاطب می‌باشد. در راستای تصویرسازی، قرآن به مدد مؤلفه‌ها و عناصر تصویری مختلفی همچون تشخیص، تجسیم، تخیل، تشبیه، استعاره و کنایه و..... به ترسیم معارف و مضامین قرآنی پرداخته و آنها را در قالب صحنه‌های زیبا و حیرت‌انگیز به تصویر کشیده است.

در پژوهش حاضر به بررسی این مؤلفه‌ها و عناصر تصویری در قرآن کریم می‌پردازیم و سوره مبارکه «قلم» به عنوان نمونه‌هایی از هنر زیبای تصویرپردازی قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف از این پژوهش بررسی نقش این مؤلفه‌ها در ترسیم صحنه‌های زیبا و باشکوه قرآنی در سوره قلم می‌باشد و اینکه دریابیم کدامیک یک از این عناصر در القای مضامین و مفاهیم قرآنی در این سوره نقش برجسته‌تر و موثرتری داشته است. بی‌شک با پرداختن به هنر تصویرپردازی قرآنی در این سوره، اعجاز و زیبایی کلام وحی بیش از پیش آشکار می‌گردد و بیان این اعجاز الهی از طریق پرداختن به هنر تصویرپردازی‌های بی‌بدیل قرآنی، ضرورت این تحقیق را بیان می‌کند.

در زمینه این پژوهش، کتابها و مقالاتی نگاشته شده است که در این جا به مواردی از آن اشاره می‌گردد: کتاب «التصویر الفنی» از سید قطب (۱۹۳۹م)، که در این کتاب به بررسی تصویر هنری در قرآن پرداخته شده است، به نظر او به جز آیات تشریح در تمامی آیات قرآن می‌توان تصویرسازی را مشاهده کرد و عقیده دارد که تصویر در قرآن با آهنگ و بافت کلی قرآن هماهنگ است. کتاب «اسرار البلاغه» از جرجانی (۱۹۹۸م) که در این کتاب به توضیح مؤلفه‌های شکل‌گیری تصویر پرداخته شده است، وی عقیده دارد که تصویر دارای مؤلفه‌های متعددی مانند تشبیه، تمثیل، استعاره و ساختارهای دیگر می‌باشد و ارتباط تصویر با نظم در آیات قرآنی را می‌توان از دلایل اعجاز قرآن برشمرد. کتاب «وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم» از عبدالسلام احمد راغب (۲۰۰۳م)، که در آن با تقسیم بندی انواع کاربردهای تصویر هنری در قرآن کریم و با ارائه نمونه‌ها و شواهدی از آیات قرآنی، به بررسی هنر تصویرگری و کاربردهای آن در

قرآن پرداخته شده است. مقاله «خاستگاه هنر در دین، کنکاشی در سوره العادیات» از ابوالفضل حری (۱۳۸۰ش)، که در این مقاله ابتدا به مفهوم تصویرگری پرداخته شده و سپس تصویرپردازی در سوره العادیات مورد بررسی قرار گرفته شده است، وی عقیده دارد که خیال و عاطفه در تصویرپردازی قرآن در خدمت ایمان قرار می‌گیرد و همچنین عقیده دارد که در کلام الهی از هرگونه صنعتی جهت زیبا شدن پیام وحی استفاده شده است. مقاله «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی ام قرآن کریم» از جلیل الله فاروقی و دیگران، (۱۳۹۳ش)، که در این مقاله به نقش تصویرسازی در انتقال مفاهیم و مضامین قرآنی پرداخته شده است و در این راستا نمونه‌هایی از تصویر سازی از جزء سی ام انتخاب گردیده و بررسی شده است. مقاله‌ای با عنوان «حرکت در تصویر پردازی داستان‌های پیامبران (مطالعه موردی سوره هود)» به قلم انسیه خزعلی و کوثر بهبهانی زاده (۱۳۹۷ش) منتشر شده در فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراست. در این پژوهش نوع افعال حرکتی در تصویر پردازی این داستان‌ها و دلیل سیطره و غلبه آنها بررسی شده، و غلبه افعال حرکت انتقالی بر سایر افعال‌ها، دال بر تصویرگری موزون و ملموس داستان‌ها بوده و با تصاویری که ملامال از عذاب‌های عظیم است، منسجم شده. پژوهشی با عنوان «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی آیات قرآن» به قلم فاطمه کیانی و محمدرضا حاجی اسماعیلی و اعظم پرچم (۱۳۹۷ش) در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا منتشر شده است. در این پژوهش به چگونگی ارتباط مؤلفه‌های تصویری ناقه در بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی نمود جهت تبیین مبهمات آیات ناقه و چیستی رهیافت‌های تربیتی این داستان در بافت موقعیتی عصر نزول و دیگر عصرها پاسخ داده شده است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا مؤلفه‌هایی که در سوره‌ی قلم که مرتبط با پژوهش ماست را کشف و شرح دهیم و به مسائلی که پژوهشگران محترم از آن غافل مانده را تبیین و بسط کنیم. از سوی دیگر به انعکاس تصویرپردازی های قرآنی در خوشنویسی معاصر پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم تصویر و تصویرپردازی

تصویر در لغت به معنای صورت و شکل قراردادن برای چیزی، یا نقش کردن و رسم کردن چیزی می‌باشد (دهخدا: تصویر). و تصویر ادبی شامل عبارات و الفاظی است که ادیب به وسیله آنها اثر ادبی‌اش را می‌آفریند و در عین حال شامل خیال است که در نتیجه عاطفه‌ای قوی به وجود می‌آید (خفاجی، بی تا: ۴۶). می‌توان گفت که تصویر ادبی علاوه بر صورخیال، شامل کلمه یا کلمات یا آیاتی است که تجربه‌های حسی را در ذهن برمی‌انگیزد، بنابراین اهمیت تصویر ادبی در این است که حوادث و پدیده‌ها را در خاطره‌ها و اذهان برمی‌انگیزد، اما تصویر ادبی با آنچه که امروزه از مفهوم تصویر در اذهان وجود دارد، یعنی فیلم و عکس و سینما تفاوت دارد، تصاویر در نقاشی و عکس و سینما، از آمیزه‌ای از نور و رنگ تشکیل شده‌اند در حالی که در تصویر ادبی الفاظ و عبارات، چنان نقشی را ایفا می‌نمایند که گویی انسان صحنه‌ای زنده و مصور را مشاهده می‌نماید. متقدمین در آثار خویش به جای کلمه «تصویر» از واژه «تمثیل» استفاده کرده‌اند، چنانچه فراهیدی در این مورد گفته است: «تمثیل در لغت، به معنای چیزی است، گویی به آن می‌نگری» (فراهیدی: ریشه مثل). و فیروزآبادی نیز در تعریف از تمثیل گفته است: «تمثیل به معنای تصویر است، یعنی چیزی

را برای کسی توصیف کردن و نمایش دادن، گویی که به آن می‌نگرد» (فیروزآبادی: ریشه مثل). سبقت حضور تصویر و تصویرگری در ادبیات عرب به قرن سوم هجری و به کتاب «الحيوان» جاحظ برمی‌گردد. (جاحظ، ۱۹۳۸م: ۱۳۱)، وی «شعر را گونه‌ای از تصویر» می‌داند (همان: ۳۶۵). همچنان که جرجانی نیز «شعر را صنعت و گونه‌ای تصویر» قلمداد می‌نمود (جرجانی، ۱۹۹۸: ۳۶۵). متقدمین علم بلاغت برای تصویرسازی یا تمثیل جایگاه جدا و مستقلاً قائل نبوده‌اند و آن را تحت عنوان صورخیال در اقسام بیانی چون تشبیه و استعاره و کنایه معرفی کرده‌اند، رضایی در این زمینه می‌نویسد: «آنچه را که متقدمین و ناقدان کلاسیک عرب «صورخیال» نامیدند، در حقیقت همان تصویرگرایی است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۵۵)، اما ادیبان و ناقدان معاصر نگاهی متفاوت به مقوله تصویر داشته‌اند و آن را یکی از بخش‌های مهم علم بلاغت برشمرده‌اند که در میان آنها می‌توان از سید قطب به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه نام برد. بطل نیز تصویر را یک گروه زبانی متشکل از الفاظ، معانی، عقل، عاطفه و خیال می‌داند (خزعلی و بهبهانی زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

۲. تصویرپردازی هنری در قرآن

تصویر هنری در قرآن، آمیخته از رنگ است. جنبش و موسیقی و رنگ کلمات و نغمه عبارات در آن به گونه‌ای است که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و وجدان را از خود آکنده می‌سازد. تصویر در قرآن، تصویری است گویا و زنده که در آن مبانی و مفاهیم و مضامین همگی جامه حیات می‌پوشند. سید قطب در کتاب خویش تصویرپردازی را یکی از مهمترین رویکردهای تحلیلی قرآن به شمار آورده و عقیده دارد که «کل اسلوب قرآن به جز آیات تشریح براساس تصویراست و این اسلوب تصویری از اعجاز قرآن است» (سید قطب، ۱۴۱۵ق: ۷). بنابراین تصویرسازی در قرآن ابزاری برتر است، زیرا قرآن با تصویر حسی - خیالی، معانی ذهنی و رخدادها و صحنه‌های دیدنی و آرمان‌های انسانی و طبیعت انسانی را بیان می‌نماید و بدین ترتیب معانی و مضامین ذهنی شکل و حرکت پیدا می‌کنند و حالت‌های روانی تبدیل به تابلو و یا صحنه می‌شود و داستان‌ها و مناظر همه نمایان می‌شود.

۳. مؤلفه‌های تصویرپردازی

قرآن کریم با اسلوب و هنر تصویرپردازی به مدد مؤلفه‌ها و عناصر تصویری متعددی معارف ژرف و عمیق خویش را در حد فهم بشر عرضه داشته و معانی و مفاهیم انتزاعی و حالات روحی و درونی انسان‌ها را برای آن‌ها محسوس و قابل درک نموده است. سید قطب عناصری مانند: رنگ، صدا، حرکت، گفتگو، تجسیم، تشخیص و حواس را از مهم‌ترین مؤلفه‌های تصویرپردازی در قرآن می‌داند (سید قطب، ۱۹۸۰: ۷)، اما برخی از محققین، اندیشه دینی، واقعیت، خیال، عاطفه، زبان، ریتم و آهنگ را از مؤلفه‌ها و عناصر مهم تصویر در قرآن برمی‌شمارند (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). برخی دیگر عقیده دارند که تصویر قرآنی از شیوه‌ها و عناصر مختلفی مانند: توصیف، تشبیه، کنایه، مجاز و فاصله مدد می‌گیرد و بر پایه تجسیم و تشخیص و تخیل استوار است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴).

۴. مضامین قرآنی در خوشنویسی معاصر

هنر خوشنویسی همزاد و همراه فرهنگ و هنر ایران و اسلام بوده و خط زیبا در ادبیات اسلامی فارسی و معارف و هنر و معرفت دینی به عنوان یگانه محمل کلام وحی و تثبیت‌کننده‌ی احساس هنری نقش یگانه‌ای را از آغاز پیدایش ایفا کرده و متناسب با موقعیت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی شرایط متفاوتی را تجربه و دارای اوج و فرودهایی بوده است. کلام و تصویر دو عامل مهم برای ایجاد ارتباط است. در خوشنویسی انتقال پیام از طریق تصاویر و کلمات، دارای ساختار تجسمی است. حضور اصول و قواعد در کنار زیبایی و توجه به کیفیت‌های بصری، خوشنویسی را از نظر بصری و ساختار زیبایی‌شناختی ممتاز نموده است (اسحاق زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵). در بررسی مضامین مورد نظر در خوشنویسی معاصر می‌توان مشاهده کرد که بخش مهمی از آثار هنری این حوزه مربوط به کتابت قرآن و مضامین قرآنی است. از دوره قاجار نسخه‌های فراوانی از قرآن توسط هنرمندان مرد و زن کتابت شد که امروز در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود. در دوره قاجار، به فراخور سیاست‌های حکومت برای رونق فرهنگ اسلامی، حمایت زیادی از کتابت و خوشنویسی انجام شد. این مسئله منجر به رونق خوشنویسی قرآنی در این مقطع زمانی گردید.

در مقاطع مختلف تاریخی از بین انواع هنرهای سنتی ایران، خوشنویسی به دلیل آنکه به عنوان محملی برای آیات مصحف الهی و احادیث مورد استفاده قرار می‌گرفت، بیش از سایر هنرها مورد عنایت و توجه خاص قرار داشت. خوشنویسی در طول سیزده قرن با فراز و نشیب فراوان از نظر کیفی به سطحی دست یافت که به عنوان معیار و شاخص هنر قدسی و آئینی تلقی گردید. مطالعات انجام شده در حوزه زیباشناسی خط هرچند بسیار محدود و انگشت شمار هستند؛ اما زمینه را برای پژوهش درباره گرایش‌های فرمالیستی در خوشنویسی هموار کرده‌اند. ظهور فرمالیسم (صورتگرایی) به عنوان یکی از مهمترین مکاتب‌های نقد ادبی در روسیه، علاوه بر ادبیات و زبان‌شناسی به تدریج سایر هنرها رانیز تحت تأثیر قرار داد و به سرعت گسترش یافت. از منظر ایشان مهم‌ترین ویژگی آثار ادبی (و هنری) ماندگار و تأثیرگذار، رویکرد آفرینندگان آنها در خلق فضایی برای آشنایی زدایی از باورهای متعارف و تکراری بود. در هنرهای تجسمی و کاربردی و به طور اخص خوشنویسی هنرمندان در بسیاری از مقاطع تاریخ هنر ایران نگاهی متفاوت به قیود صلب قوانین موضوعه داشته و با ظرافتی خاص جلوه‌های این امر را در آثار خود به نمایش نهاده‌اند. براساس نظریه صورتگرایی در هنر آثاری از تاریخ هنر که به جنبه بازنمایی یا فرانمایی خود شهره‌اند نیز در اصل به دلیل خصوصیات فرمی خود محل توجه بوده‌اند چراکه ویژگی‌های بازنمودی و بیانی آنان برخلاف تصور برخلاف تصور نظریه‌پردازان معتقد به نظریه‌های بازنمایی و فرانمایی هنر، نه صفات ذاتی بلکه صرفاً صفات عرضی آنها هستند از این بابت که تنها صفات ذاتی آنان همانا صورت، فرم یا ساختار صوری آنهاست (عوضپور، ۱۳۹۲: ۶۹).

۵. مؤلفه‌های تصویری و نقش آن‌ها در سوره قلم و خوشنویسی معاصر

سوره «قلم» همانند تمامی سوره‌های قرآن سرشار از اعجاز و زیبایی‌های بلاغی می‌باشند و به ویژه هنر تصویرپردازی در بسیاری از آیات آن‌ها مشهود می‌باشد که به مدد آن معانی و مضامین قرآنی در این سوره به زیباترین شکل به تصویر کشیده شده است. در ذیل به بررسی برخی از مؤلفه‌ها و عناصر تصویرپردازی در این سوره می‌پردازیم:

۵.۱. تشخیص

تشخیص یا شخصیت بخشی، آرایه‌ای ادبی است که در آن صفات و یا رفتار انسانی را به جانوران و یا اشیاء نسبت می‌دهند، شخصیت بخشی که بعضی آن را «جان بخشی به اشیاء» و یا «جاندار انگاری» می‌خوانند، در حقیقت اطلاق احساسات و رفتارهای خاص انسانی به حیوانات و گیاهان و پدیده‌های طبیعی یا امور عقلی می‌باشد. برخی تشخیص را «انسان انگاری» نامیده و آن را نوعی مجاز دانسته‌اند که در آن به اشیاء یا اندیشه‌های مجرد، ویژگی و کردار انسانی بخشیده می‌شود (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۸). در تشخیص به اشیاء و جامدات شخصیت انسانی داده شده و آنها را به صورت انسان مجسم می‌نمایند، در واقع در این شیوه صفات و نسبت‌هایی را به اشیاء یا حیوانات می‌دهند که ویژه انسان است، برای مثال آسمان یا روزگار یا باد صبا را مورد خطاب قرار داده و با آنها گفتگو می‌کنند، در تعبیر مصور قرآنی، جلوه‌های بسیار زیبایی از بخشیدن حیات به جامدات را می‌توان مشاهده کرد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴). مانند این آیه در سوره قلم: (قَطَافَ عَلِيهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِكَ وَهُمْ نَائِمُونَ) (قلم: ۱۹/۶۸) این آیه اشاره به داستان «اصحاب الجنه» یا صاحبان باغ دارد که در آن باغدارانی از اهل یمن شبانه تصمیم می‌گیرند هنگام سپیده دم و دور از چشم مستمندان میوه‌های باغ خویش را چیده و آن‌ها را از این میوه‌ها محروم و بی‌نصیب سازند، پس شبانه طیفی و بلایی از سوی پروردگار، در حالی که آنها در خواب بودند آن باغ را سوزانده و بیابانی ریگزار تبدیل می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۳/۶) و مراد از «طائف» در این آیه، آفت و بلایی است که برگرد باغ چرخیده و آن را سوزانده و خاکستر کرده است (قرائتی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

در این آیه به مدد عنصر تشخیص نمایشی از عذاب خداوند به تصویر کشیده شده است، آن جا که طیف عذاب الهی به مانند انسان مجسم می‌گردد و برگرد باغ می‌چرخد و آن را به امر و دستور الهی به آتش می‌کشد و می‌سوزاند و به بیابانی خشک تبدیل می‌کند، خداوند در این آیه به انسان‌ها یادآور می‌شود که قهر و عذاب الهی مخصوص آخرت نیست بلکه گاهی در دنیا و بسیار سریع واقع می‌شود (همان: ۱۶۹). همچنین در آیه (قلم: ۴۳/۶۸)، خداوند تعبیر (خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ) را به کار می‌برد. که در این عبارت نیز از ویژگی تشخیص در تصویرسازی استفاده شده است زیرا به چشم‌ها که جزئی از بدن انسان است شخصیت انسانی بخشیده شده است و چشم‌ها در حال خضوع و خشوع به تصویر کشیده شده‌اند. خشوع و فروتنی از صفات‌های انسان است و در اینجا قرآن با تعبیری زیبا چشم‌ها را همچون انسانی به تصویر کشیده است که فروتن و خاضع سر به زیر افکنده و شرمسار می‌باشد.



تصویر ۱: قرآن، به خط ام سلمه، دوره معاصر (قاجار)، مأخذ: کتابخانه ملی ایران.

در آیه بالا شاهد کاربرد تشخیصی برای فیل هستیم. آوردن عبارت اصحاب فیل، نوعی جان‌بخشی یا بخشیدن صفت انسانی به فیل محسوب می‌شود.

۵.۲. تشبیه

تشبیه به ادعای همانندی و اشتراک بین دو چیز در یک صفت یا بیشتر گفته می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۰). شفیعی کدکنی در مورد تشبیه چنین می‌گوید: «تشبیه از اصول تصویری و تعبیر فنی علم بیان است که ذهن را از آنچه که پنهان است به چیزی که آشکار است، هدایت می‌نماید و به دلیل همین جنبه تخیلی و تصویری تشبیه می‌توان بسیاری از امور متباین و حتی متضاد را که از نظر حس و تجربه عقلی از هم دورند را در یک موضوع جمع کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۷۲). در تصویرسازی هنری قرآن، تشبیه نقش والا و برجسته‌ای را دارا می‌باشد، زیرا به مدد آن تصاویری بس شگفت‌انگیز و بی‌بدیل در آیات قرآن به نمایش درآمده است. نمونه‌ای از آرایه ادبی تشبیه را در این آیه می‌توان نظاره نمود، آنجا که می‌فرماید: (فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ) (قلم: ۲۰). در رابطه با معنای این آیه اقوال متعددی گفته شده است از جمله اینکه: «یعنی باغ مانند درختی شد که میوه‌اش را چیده باشند و ممکن است به این معنا باشد که آن باغ مانند شب تاریک و سیاه شد، چون در اثر آتشی که خداوند به سوی آن فرستاد، درختانش سوخت، و یا ممکن است به این معنا باشد که آن باغ مذکور مانند بیابانی ریگزار شد که هیچ گیاهی در آن نمی‌روید و هیچ فایده‌ای برای آن متصور

نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۵۶/۲۰). همچنین آمده است: «صَرِيمٌ» از ماده «صرم» و به معنی «قطع» است و در اینجا به معنی شب ظلمانی یا درخت بدون میوه یا خاکستر سیاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۹۵/۲۴).

گفته شده است که: «در حقیقت این تشبیه، یک تشبیه تمثیلی است که در آن حالت و شکل باغ به دلیل حادثه وارد شده بر آن به شب تشبیه شده است و وجه شبه شامل سیاه شدن به دلیل سوختن است» (قونوی، ۱۴۲۲: ۳۳۸/۱۹) و یا تشبیه باغ سوخته به شن و ماسه‌ای است که چیزی از آن نمی‌روید و مشبه به در اینجا حسی است و آن کلمه «مصروم» است (همان: ۳۳۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود به دلیل گستردگی معنای کلمه «صریم» و به مدد عنصر تشبیه، در این آیه صحنه‌های شگفت‌انگیز و متعددی به تصویر کشیده شده است. اگر صریم را به معنای تاریکی و شب در نظر بگیریم می‌توانیم صحنه‌ای را به تماشا بنشینیم که در آن باغ مذکور در اثر سوختن درختان به مانند شب، تاریک گشته است و چنانچه معنای ریگزار و شن و ماسه را برای این کلمه در نظر بگیریم، می‌توانیم آن باغ را بعد از ویران گشتن به صورت ریگزاری خشک و بی‌آب و علف در ذهن مجسم نماییم.



تصویر ۲. خوشنویسی در قرآن، به خط ضیاء السلطنه، دوره قاجار، آستان مقدس حضرت معصومه قم.

در آیات بالا، همسر ابولهب به حمل‌کننده آتش تشبیه شده است.

۵.۳. مجاز

مجاز به معنی استعمال یک لفظ در غیر معنای اصلی و حقیقی خود است با شرط وجود نوعی مناسبت و پیوستگی بین این دو معنی و نیز با شرط وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنی حقیقی می‌شود. هر گاه بین دو معنی حقیقی و مجازی، رابطه‌ای از نوع رابطه جزء و کل یا سبب و مسبب و یا حال و محل و یا وسیله و نتیجه باشد آن مجاز را مجاز مرسل می‌گویند (مردوخی، ۱۳۸۷: ۱۱). نمونه‌ای از مجاز را در آیه (قلم: ۴۳ / ۸۸) و در عبارت (خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ)

می‌توان مشاهده نمود، در این آیه علاوه بر عنصر تشخیص از مجاز نیز برای نمایش تصویر زیبایی قرآنی استفاده شده است. در این جا می‌توان گفت که تعبیر (خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ) از لحاظ بلاغی مجاز مرسل و دارای علاقه جزئی می‌باشد، یعنی در این تعبیر به جای انسان که کل است، از چشم‌های او که جزئی از بدن است نام برده شده است. بنابراین در این آیه نمایش زیبایی دیگری از هنر تصویرپردازی را مشاهده می‌کنیم، آنجا که به مدد ظرافت و زیبایی عنصر بلاغی مجاز مرسل چشم‌ها مانند انسانی خاشع و خاضع در درگاه الهی ظاهر می‌شوند.

۵.۴. استعاره

استعاره، در حقیقت تشبیهی است که فقط یکی از دو رکن آن (مشبه و مشبه‌به) در آن ذکر شده باشد. همچنین می‌توان گفت: استعاره مجازی است که در آن رابطه بین معنی حقیقی و مجازی براساس مشابهت باشد. در مورد استعاره گفته شده است که: «در استعاره مشابهت میان دو معنی حقیقی و مجازی به قدری زیاد است که می‌توان ادعای یکسانی آن دو را کرد، لذا استعاره خیال‌انگیزتر و بلیغ‌تر از تشبیه است.» (امامی خلیل‌آبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹). در سوره قلم نمونه‌های متعددی از تصویرپردازی به مدد عنصر استعاره مشاهده می‌گردد. مانند این آیه: (فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ) (قلم: ۱۹ / ۸۸). در آیه فوق در عبارت «فَطَافَ عَلَيْهَا» استعاره تمثیلیه وجود دارد، زیرا این عبارت به معنی «أرسل علیها» می‌باشد. قونوی در این مورد گفته است: «استفاده از تعبیر طواف به جای ارسال برای نشان دادن مبالغه در سوزاندن و احاطه داشتن به جمیع جوانب آن است، و آن استعاره مصرّحه تبعیه غریبه می‌باشد» (قونوی، ۱۴۲۲: ۱۹ / ۲۳۳). دلیل وجود استعاره در این آیه این است که در آن ارسال و فرستادن به علت مبالغه در احاطه و شمول به طواف تشبیه شده است، سپس مشبه که «ارسال» بوده حذف شده است و مشبه به که طواف بوده باقی مانده است و به این دلیل این استعاره مصرّحه نامیده می‌شود که در آن فقط به ذکر مشبه به تصریح شده است (السلمی، ۱۴۳۵: ۲۳۷). در این آیه به کمک و مدد مؤلفه استعاره تصویری روشن و بی‌بدیل از ویرانی باغ مذکور به نمایش در آمده و شدت حادثه و شمول و احاطه آن، توسط کلمه «طاف» به زیبایی به تصویر کشیده شده است.

پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۳. خوشنویسی در قرآن، دوره قاجار، مأخذ: آستان مقدس حضرت معصومه قم.

۵.۵. کنایه

کنایه به معنی آن است که از مفهومی معین، لفظی تعبیر کنند که در دلالت بر آن مفهوم صریح نباشد، بلکه بطور ضمنی به آن اشاره نماید، گاهی تصاویر قرآن تنها به کاربرد یک واژه خاص در آیه مربوط نمی‌شود، بلکه از مجموعه آیاتی از یک سوره و بافت آن به ذهن مخاطب تداعی می‌گردد و در واقع این بافت است که صحنه یا تابلویی هنری را به تصویر می‌کشد و در آن تمامی تصویرهای هنری یک سوره باهم هماهنگ و همسو و برای ایجاد یک تصویر کلی در سوره با هم در تعادل می‌باشند (راغب، ۱۳۸۹: ۹۱). مانند این آیه از سوره قلم: (سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ) (قلم: ۱۶/۸۸). مصدرهای «وسم» و «سمه» به معنای علامت‌گذاری است و کلمه «خرطوم» به معنای بینی است. و بعضی گفته‌اند که اطلاق خرطوم بر بینی آن شخص کافر، با اینکه خرطوم تنها بینی فیل و خوک می‌باشد، در حقیقت نوعی توبیخ و ملامت است و ظاهراً منظور از علامت‌گذاری در بینی او این می‌باشد که بی نهایت او را خوار می‌کنیم و ذلّتی نشان دار به او می‌دهیم، به طوری که هر کس او را ببیند با آن علامت او را بشناسد چون بینی در صورت انسان یکی از مظاهر عزت یا ذلت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۳/۶). عبارت (سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ)، در این آیه کنایه از خوار و ذلیل کردن می‌باشد زیرا این تعبیر در زمان جاهلیت به عنوان بالاترین درجه حقارت و ذلت به شمار می‌آمد و قرآن به زیباترین شکل در این آیه آن را به تصویر کشیده است. و به کافرانی که پیامبر(ص) و مسلمانان را تحقیر می‌کردند و دست از آزار و اذیت آن‌ها بر نمی‌داشتند، نشان داده است که کیفر تحقیرکننده، تحقیر شدن به بالاترین شکل می‌باشد، زیرا این عبارت نهایت ذلت و خواری انسان به حساب می‌آمده است و قرآن در این آیه با استفاده از لفظ «خرطوم» که متعلق به حیوانات است نهایت تحقیر و ذلت کافران را به تصویر کشیده است (خامه‌گر، ۱۳۸۲: ۴۷). در آیه زیر نیز به مدد عنصر کنایه مفاهیم قرآنی به زیباترین شکل به تصویر کشیده شده است آنجا که می‌فرماید: (يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ

وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ) (قلم: ۴۲ / ۸۸). ساق در لغت به معنای «ما بین زانو و مچ پا است» و کشف عن ساق یعنی پاها برهنه می‌شوند و نمایان می‌شوند، اما ساق به معنی شدت هم می‌باشد و منظور از کشف ساق پا در این آیه رسیدن کار به نهایت و شدت است (الهی قمشاهی، ۱۳۴۹: ۵۶۴). این اصطلاح در حقیقت کنایه از این است که کارد به استخوان رسیده است. خداوند در این آیه صحنه‌ای عجیب از نهایت سختی و مشقت کافران را در روز قیامت به تصویر می‌کشد و برای نمایش این صحنه و به تصویر کشیدن نهایت سختی و رنج آنها، تعبیر زیبای «کشف عن ساق» را به کار می‌برد. در این آیه علاوه بر تعبیر فوق تصویری دیگر از رنج و مشقت کافران در قالب کنایه ترسیم شده است، آنجا که می‌فرماید (وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ) یعنی: رنج آن‌ها به حدی می‌رسد که به سجده دعوت می‌شوند ولی نخواهند توانست.



تصویر ۴. برگگی از قرآن، دوره معاصر (قاجار)، به خط ام سلمه، مأخذ: کاخ گلستان، تهران.

در آیات بالا، یوم الدین کنایه از روز قیامت است و در حقیقت نوعی کاربرد تصویرسازی در قرآن است.

نتیجه‌گیری

هدف قرآن از به تصویر کشیدن اندیشه‌های دینی در قالب‌های ادبی، پرورش معرفت بشری در زمینه جهان هستی و جهان آخرت و آفریدگار جهان است و در این راستا، معانی والای قرآنی در آیات این کلام الهی با تصاویر هنری آن‌ها کاملاً هماهنگ و متناسب می‌باشد. در بررسی مؤلفه‌ها و عناصر تصویری در سوره قلم به این نتایج نائل گشته‌ایم:

کاربرد مؤلفه تشخیص در این سوره نشان داده است که قرآن به مدد این ویژگی، مبانی و مفاهیم و مقاصد خویش را به بهترین شکل به تصویر کشیده است زیرا تصور اشیاء و مفاهیم به شکل انسان، تصاویری بس زیبا را در ذهن تداعی می‌نماید. تأثیر مؤلفه‌های تشخیص و تخیل در این سوره کاملاً نمایان و هویدا می‌باشد، زیرا به مدد این مؤلفه‌ها مفاهیم عینی و خیالی و دور از ذهن به صورت تصاویری شگفت و بی‌بدیل به نمایش درآمده و باعث گشته است که این مفاهیم ملموس و محسوس گردد. به مدد مؤلفه‌های تشبیه و استعاره در آیات سوره قلم مفاهیم و دستوره‌های دینی به صورت تصاویری زیبا و دل‌انگیز به تصویر درآمده است که در نتیجه به درک بهتر از آن مفاهیم انجامیده است. به‌کارگیری آرایه‌های بلاغی چون کنایه و مجاز در این سوره باعث شده است که مبانی و اهداف قرآنی به شکل شگفت‌انگیزی به نمایش درآمده و اعجاز این آیات را دو چندان نماید. با بررسی نقش و تأثیر این مؤلفه‌های تصویری در بیان مقاصد و القای مفاهیم قرآن در سوره قلم این نتیجه به دست می‌آید که تمامی این عناصر در به تصویر کشیدن مفاهیم و مقاصد قرآنی و امور عینی و دور از ذهن نقش والا و شگفت‌انگیزی را ایفا نموده‌اند، در این میان مؤلفه تشبیه به علت خلق تصاویری بس زیبا و شگفت‌انگیز و به دلیل وسعت و شمول و فراگیری این آرایه ادبی نقش برجسته‌تر و موثرتری را دارا بوده است. بررسی‌ها حاکی از این است که می‌توان جلوه‌هایی از این تصویرپردازی‌های قرآنی را در خوشنویسی معاصر و مضامین و فرم‌های به‌کار برده در آن مشاهده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم

- الهی قمش‌های، مهدی. (۱۳۴۹). ترجمه فارسی قرآن کریم. تهران: نشر جمهوری.
- امامی خلیل آبادی، مرتضی. (۱۳۸۸). معجزه‌ی بیان. چ ۱، شهرکرد: انتشارات دانشگاه شهرکرد.
- جاحظ، محمود بن بحر. (۱۹۳۸م). الحیوان. تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت: داراحیا، التراث العربی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۸م). دلائل الأعجاز فی علم المعانی. تحقیق: محمدعبده و دیگران، بیروت: دارالمعرفه.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۲). دانشنامه قرآن. تهران: نشر دوستان.
- خفاجی، محمدبن عبدالنعم. (بی تا). دراسات فی النقدالعربی الحدیث و مذاهبه، مصر، قاهره: دارالطباعة المحمدیه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). فرهنگ لغت دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب، عبدالسلام احمد. (۱۳۸۷). کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم. ترجمه: سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- راغب، عبدالسلام احمد. (۲۰۰۳م). وظیفه الصورة الفنتة فی القرآن الکریم، حلب: فصل للدراسات و الترجمة و النشر.
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- سید قطب. (۱۴۱۵ق). فی ظلال القرآن، مصر، قاهره، چاپ دهم: دارالشروق.
- سید قطب. (۱۹۳۹م). التصوير الفنی، نمایش هنری در قرآن. ترجمه: محمد علی عابدی، تهران: مرکز نشر انقلاب.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الصباغ، محمد. (۱۹۸۳). التصوير الفنی فی الحدیث النبوی، بیروت: المکتب الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۶). تفسیر المیزان، چ سوم، قم: مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
- عوض‌پور، بهروز. (۱۳۹۲). درآمدی بر نظریه‌های هنر. تبریز: نشر موعام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۹۸۲م). العین، تحقیق محمد مخزومی، بیروت: دارالرشید للنشر.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۸۸). ترجمه قرآن. تهران: ناشر جمهوری اسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۸۷۲م). القاموس المحیط، قاهره: مطبعه بولاق.
- قزائتی، محسن. (۱۳۸۲). تفسیر نور، چ یازدهم، تهران: مرکز هنری درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۶۷). قاموس قرآن. چ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۲۲ق). حاشیه القونوی علی تفسیر البیضاوی، چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

محمدی، حمید. (۱۳۸۴). زبان قرآن، آشنایی با علوم بلاغی معانی، بیان، بدیع. چ پنجم، قم: مؤسسه فرهنگی دارالذکر.
 مردوخ، معد. (۱۳۸۷). علوم بلاغی، بیان و معانی و بدیع، سنندج: نشر ژیار.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

اسحاق‌زاده، روح‌الله؛ صادقیان، حمید و روحانی اصفهانی، الهام. (۱۳۹۷). «مقایسه ارتباطات بصری در خط نستعلیق بین دو شیوه صفوی و معاصر (میرعماد و امیرخانی)»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش ۲، صص ۳۵-۴۶.
 السلمی، عبدالرحمن بن رجاء‌الله. (۱۴۳۵ق). «التناسق الصوتی فی القرآن الکریم سوره مریم نمودجا»، مجله معهد الامام الشاطبی، شماره ۱۷.
 خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۲). «ساختار تفسیر ساختاری سوره القلم»، مجله رشد آموزش قرآن، شماره ۳.
 خزعلی، انسیه؛ بهبهانی‌زاده، کوثر. (۱۳۹۷). «حرکت در تصویرپردازی داستان‌های پیامبران (مطالعه موردی سوره هود)»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۳.
 سیدی، حسن. (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن». مجله اندیشه‌های دینی، شماره ۲۷.
 قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۶). «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن». مجله صحیفه مبین، شماره ۴۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی